



اظهارات تازه وزیر ارشاد

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شامگاه جمعه ۱۲ مردادماه، مهمان بهروز افخمی در برنامه تلویزیونی «هفت» شد. او ضمن بررسی عملکرد وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوران حضورش در این وزارتخانه به بیان اظهاراتی در مورد اعتراضات پاییز سال ۱۴۰۱، بازگشت پرستو صالحی به کشور و... پرداخت. اسماعیلی در بخشی از صحبت‌هایش اشاره کرد که در اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ گرفتار بحثی شدیم که نقطه ثقلش فرهنگ بود. او همچنین افزود: «خیلی از هنرمندان و بازیگران ما درگیر این موضوع شدند و سردمداران این مسئله بودند. ما اگر می‌خواستیم مانند قبل رفتار کنیم فقط در حوزه موسیقی ۱۰۰ نفر ممنوع‌الکار می‌شدند اما اکنون تعداد ممنوع‌الکارها کمتر از انگشتان دو دست است.» او در مورد بازگشت پرستو صالحی و ویدئوی منتشرشده از او نیز بیان کرد: «ما یک قاعده کلی داریم که همه ایرانیان می‌توانند به کشور وارد شوند. خانم صالحی تا همین اواخر کنش‌های براندازانه داشتند، اما بنای ما این است که حداکثر رقافت را در حوزه فرهنگ ایجاد کنیم.»



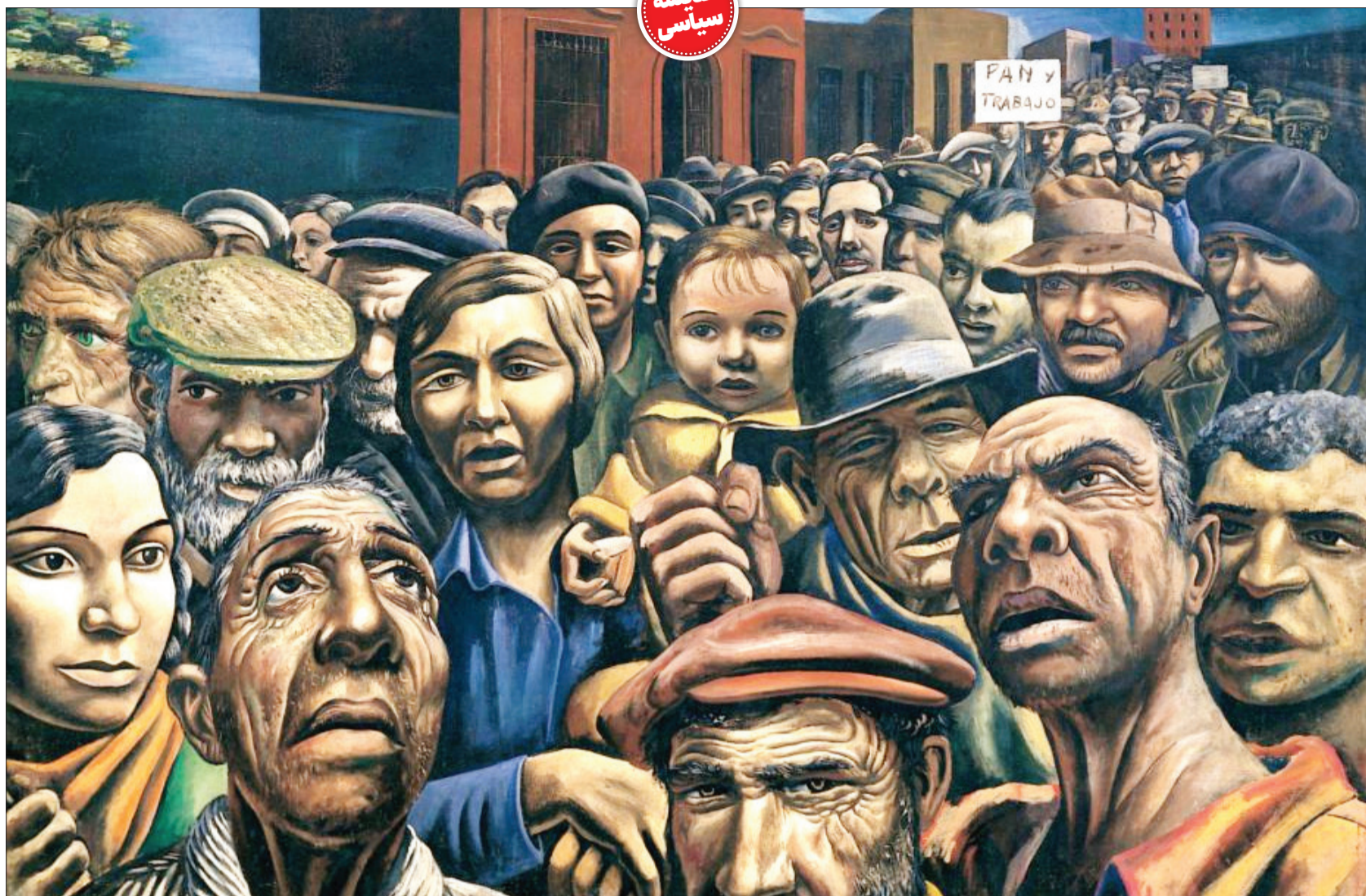
فصل سوم «بازی مرکب»

کمپانی نتفلیکس به صورت رسمی از ساخت فصل سوم و نهایی سریال طرفدار «بازی مرکب» برای عرضه در سال ۲۰۲۵ خبر داد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، پس از اعلام ۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ (۶ دی‌ماه) به‌عنوان تاریخ عرضه فصل دوم از سریال جذاب «بازی مرکب»، حالا کمپانی نتفلیکس به صورت رسمی از ساخت فصل سوم و نهایی این سریال نیز خبر داده است. فصل نخست سریال «بازی مرکب» در سال ۲۰۲۱ عرضه شد و طرفداران را با رقابتی مرگبار آشنا کرد. این داستان جذاب با فصل دوم که به‌تازگی تاریخ انتشار آن ۲۶ دسامبر اعلام شده، ادامه می‌یابد و حالا نتفلیکس رسماً از ساخت فصل سوم و نهایی آن خبر داده که در آن داستان این سریال به اوج خود می‌رسد. «بازی مرکب» همچنین به اولین سریال غیرانگلیسی‌زبان و اولین سریال کره‌ای تبدیل شد که نامزد بهترین تیم بازیگری در یک سریال درام، در جوایز انجمن بازیگران آمریکا در سال ۲۰۲۲ شد.



یادبود سعیدراد در «شب بخارا»

هفتصنودشت و یکمین شب از شب‌های مجله بخارا به تجلیل از بازیگر کهنه‌کار سینمای ایران، زنده‌یاد سعیدراد اختصاص دارد که در اول مردادماه ۱۴۰۳ از دنیا رفت. این مراسم طبق اعلام برگزارکنندگان برنامه، ساعت پنج بعدازظهر دوشنبه پانزدهم مردادماه در ساختمان شماره یک خانه سینما (بخارا جنوبی، کوچه سمنان) برگزار می‌شود و عنایت بخشی، علیرضا زرین‌دست، هوشنگ گلمکانی و جواد طوسی درباره زندگی هنری سعیدراد سخنرانی خواهند کرد. سعیدراد با بازی در فیلم «فاتحین صحر» (۱۳۵۰) بازیگری را آغاز کرد و در ادامه در طول دوران شکل‌گیری و دوام موج نوپای بازی در فیلم‌های «خداحافظ رفیق» (۱۳۵۰)، «صادق گُرد» (۱۳۵۱)، «کافر» (۱۳۵۱)، «صبح روز چهارم» (۱۳۵۱)، «تنگنا» (۱۳۵۲)، «مسئله» (۱۳۵۲)، «کنیز» (۱۳۵۳) و «هدف» (۱۳۵۴) موقعیت خود را به‌عنوان یک بازیگر مطرح و مستعد تثبیت کرد. در طول این سال‌ها با بازی در فیلم‌های «دوتل» (۱۳۸۲)، «چ» (۱۳۹۰) و سریال «در چشم باد» نشان داد که نقش مکمل می‌تواند ارزش‌های مستقل حرفه‌ای و جاذبه‌های نمایشی خودش را داشته باشد.



بد رأی ندادن وظیفه اخلاقی ماست

گفتاری درباره دشواری‌های تلفیق دموکراسی و شایسته‌سالاری

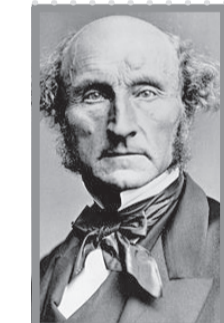
و کانادایی و رئیس دانشکده علوم سیاسی و مدیریت عمومی دانشگاه شاندرنگ است. بل، کتابی دارد که در ایران نیز با عنوان «مدل چین: شایسته‌سالاری سیاسی و محدودیت‌های دموکراسی» ترجمه شده است. بحث بل در این کتاب این است که نظام سیاسی چین دموکراتیک نیست و با معیارهای موجود نظام چین را می‌توان نظامی اقتدارگرا (authoritarian) دانست. با این همه بل در نظام سیاسی چین شایسته‌سالاری را می‌بیند و بر همین اساس و با مروری تاریخی از نظریه حکمرانی کنفوسیوس تا کنون از مدل چینی و نظام سیاسی چین دفاع می‌کند. بر همین اساس است که بل از سون یات‌سن که جزو پدران جمهوری چین است مثالی می‌آورد. یات‌سن معتقد بود، باید برای کسب مناصب از کاندیداهای موجود که رأی آورده‌اند، در مرحله بعد آزمون‌هایی گرفته شود و اگر افراد توانستند از آن آزمون‌ها سربلند خارج شوند، منصب در اختیار آنها قرار داده شود. می‌دانیم که انجام این روش مشکلاتی ایجاد می‌کند. برای مثال کاندیدایی ۸۰ درصد رأی آورده و دیگری ۲۰ درصد رأی آورده است. حال اگر آن فرد با رأی ۸۰ درصدی در آزمون موفق نشود و نتواند بر مسند حکمرانی بنشیند و برعکس کاندیدای ۲۰ درصدی، در امتحان موفق شود، مردم خواهند پرسید که این دیگر چه نوع دموکراسی‌ای است؟ در چنین وضعیتی مردم ناراضی خواهند شد و بحران ایجاد می‌شود.

خود داندیل ای بل اینجا از مدلی دفاع می‌کند که نامش را می‌گذارد مدل ورتیکال. در مدل ورتیکال محور اصلی بحث این است که در سطح مرکزی، مریترکراسی اولویت داشته باشد و در سطح لوکال و در سطح تصمیم‌گیری‌های موضعی و محلی، دموکراسی از حیثیت پیدا کند. برای نمونه اینکه در این شهر در این مکان یا خیابان بل یا بیمارستان ساخته شود، بیشتر براساس اصول دموکراتیک پیش برود اما در زمینه اینکه کشوری وارد جنگ بشود یا نه، براساس الگوهای شایسته‌سالاری تصمیم‌گیری شود. من بیشتر از این نمی‌خواهم روی این مدل چینی هم تأکید کنم زیرا شاید یکی از مزایا و ویژگی‌های نظام‌های اقتدارگرا این باشد که خیلی خوب پروپاگاندا می‌کنند و خود را موجه و خوب نشان می‌دهند. دموکراسی اما در اساس قرار است که معایب را نشان بدهد. به همین دلیل به‌نظم مدل چینی هم مدلی بحث‌برانگیز است و بهتر است آن را کنار گذاشت.

میان ما رواج دارد. به هر روی سخن اصلی اینجا این است که چطور می‌توان دموکراسی شایسته‌سالارانه یا شایسته‌سالاری دموکراتیک داشت؟ یا به تعبیر اقتصاددان‌ها چگونه می‌توان نقطه‌ای بهینه میان دموکراسی و شایسته‌سالاری یافت و به‌نحوی این دو را اشتی داد؟ در این مورد سه مدل عمده وجود دارد که من دو مدل را به‌صورت گذرا ذکر می‌کنم اما درباره مدل سوم درنگ خواهم کرد و بیشتر سخن خواهم گرفت.

پیشنهاد هایدک برای تلفیق دموکراسی و شایسته‌سالاری

مدل اول مدلی است که فریدریش فون هایدک از آن دفاع می‌کند. این فیلسوف لیبرترین مکتب اتریش که همانطور که مستحضرید این روزها هم خیلی در ایران خواننده پیدا کرده معتقد است، راه تلفیق بهینه دموکراسی و شایسته‌سالاری این است که bicameral legislature یا قوه مقننه دومجلسی بسازیم. می‌دانیم که قوه مقننه بعضی از کشورها دومجلسی است. در ایالات متحده آمریکا هم خانه نمایندگان وجود دارد. هم مجلس سنا. در بریتانیا و ایرلند شمالی هم نظام دومجلسی حاکم است؛ یک مجلس عوام وجود دارد (House of Commons) و یک مجلس اعیان (House of Lords). در چنین وضعیتی یکی از این مجلس‌ها متکفل دموکراسی است، همانطور که هایدک پیشنهاد می‌دهد و دیگری متکفل شایسته‌سالاری است. برای مثال در بریتانیا کیبر House of Lords متشکل از دوک‌ها، ارل‌ها و برون‌هاست. افراد این مجلس به‌طور موروثی انتخاب می‌شوند. برخی را کلیسا انتخاب می‌کند و قرار است که در آن مجلس شایسته‌گانی حضور داشته باشند. بنابراین فرمولی که هایدک پیشنهاد می‌کند این است که ما یک وضعیت دومجلسی داشته باشیم که در آن یک خانه متکفل شایسته‌سالاری و یک خانه متکفل مردم‌سالاری باشد. در بریتانیا هم می‌بینید که همیشه سر مجلس اعیان دعواست. تونی بلر می‌گفت به‌جای این روش وراثتی، آکادمیسین‌ها در مجلس اعیان حضور داشته باشند. مشکلی که این روش دارد این است که بیش از حد دموکراسی را به‌مطلوب دیگر یعنی شایسته‌سالاری واگذار می‌کند. گویی منتقدان این روش می‌گویند اینکه مردم دیگر نمی‌خواهیم دموکراسی را به مریترکراسی واگذار کنیم. معمولاً هم در کشورهای دموکراتیک مثل بریتانیا مجلس‌های مریترکراتیک یعنی خانه اعیان به حاشیه می‌روند و بر سر وجود آنها بحث‌های زیادی وجودی دارد.



از آغاز دموکراسی یونان باستان یکی از دلایل مخالفت با دموکراسی این بود که دموکراسی این قابلیت را دارد که به یک نظام خودکامه و مستبد بدل شود. امروزه اما فلاسفه مدرن از «استبداد اکثریت» سخن می‌گویند: مفهومی که دو توکویل آن را جعل کرد و بعد جان استوارت میل یکی از پدران لیبرالیسم از آن بحث کرد

«مدرسه تردید» مدرسه‌ای مجازی است با محوریت آموزش فلسفه، ترویج سنجشگرانه اندیشی و پرورش مهارت فلسفی اندیشیدن در دیگر حوزه‌های تخصصی. پنجم مردادماه ۱۴۰۳، به مناسبت دوسالگی تأسیس «مدرسه تردید» رویدادی با موضوع «تأملاتی در باب دموکراسی» با حضور احمد زیدآبادی، دکتر علوم سیاسی و تحلیلگر مسائل سیاسی، کاوه بهبهانی، مترجم و پژوهشگر فلسفه معاصر، امیرحسین خداپرست، عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و محسن آزموه، خبرنگار حوزه اندیشه برگزار شد. در شماره دیروز روزنامه گزارشی از سخنرانی‌های احمد زیدآبادی و امیرحسین خداپرست تقدیم خوانندگان شد و امروز سخنرانی کاوه بهبهانی منتشر خواهد شد. این گفتار توسط فرزند نعمتی، خبرنگار گروه فرهنگ تنظیم و تدوین شده است.



در ادبیات سیاسی دو مفهوم وجود دارد که ما به دنبال هر دوی آنها هستیم؛ دموکراسی و مریترکراسی. دموکراسی شکل مطلوب حکومت در مقایسه با سایر اشکال حکمرانی است. البته معایب و شرور خود را نیز دارد. دموکراسی سلسله‌ای از رویه‌هاست که اگر آن رویه‌ها در کشوری محقق شوند، فهم ما این است که آن کشور کشوری دموکراتیک است و محقق نشدن آنها نیز معنایش این است که آن کشور کشوری دموکراتیک نیست. مطلوب دوم در ادبیات سیاسی، مریترکراسی یا شایسته‌سالاری است. همه ما خواهان آن هستیم که حکمرانی شایسته و فضیلمند داشته باشیم؛ حکمرانی که صرفاً در پی منافع خود و خویشاوندانشان نباشند. بحثی که اینجا پیش می‌آید این است که این هر دو مطلوب هستند، اما دموکراسی لزوماً به مریترکراسی منجر نمی‌شود. جدا از این، بحث من لزوماً راجع به موقعیت فعلی ما نیست؛ اگر چه بدان بی‌ارتباط نیز نیست و می‌توانیم از آن بهره‌هایی ببریم. برخی دچار مغلفه‌ای می‌شوند و گمان می‌کنند اگر جایی انتخابات برگزار می‌شود، آن کشور در وضعیتی دموکراتیک به‌سر می‌برد. چنین نیست؛ زیرا انتخابات یکی از ارکان دموکراسی است و البته خود نیز نیازمند شرایطی است که پیچیده‌تر از آن چیزی است که در

لزوم تمهید اخلاقی سیاسی

حال برویم سراغ مدل سوم و اینکه چطور می‌شود دموکراسی و مریترکراسی را به‌شکلی باهمدیگر هم‌آغوش کرد؟ در این مدل سوم سوال اساسی این است که نمایندگان و حکمرانان شایسته را چه

شایسته‌سالاری چینی

مدل دوم در این زمینه را داندیل ای بل، متفکر علوم سیاسی مطرح کرده است. البته این داندیل ای بل را نباید با داندیل بل جامعه‌شناس آمریکایی اشتباه گرفت. داندیل ای بل، متولد ۱۹۶۴